

شرح حال سر سید احمد خان

مولانا الطاف حسین حالی مؤلف حیات جاوید نکتہ ظریفی درباره سر سید می گوید:

چیت انسانی؟ تپیدن از تپ همسایگان از سموم نجد در باغ عدن پژمان شدن زیستن در فکر قوم و مردن اندر بند قوم گرتوانی می توانی سید احمد خان شدن^۱ وطن اصلی اجدادش هرات بود. چون شهنشاه جلال الدین محمد اکبر (۹۴۹ هـ / ۱۵۴۲ م - ۱۰۱۴ هـ / ۱۶۰۵ م) در سال ۹۶۳ هـ / ۱۵۵۶ م زمام سلطنت دهلی را در دست گرفت، سعی نمود سادات بزرگوار و شرفای نامدار را از شهر و دیار گردآورده، از آنها قدردانی کند و آنها را در منصبهای بزرگ بگمارد. چون این خبر به گوش سید شرف الدین حسین خان بهادر نهمین جد سر سید رسید به دلیل رنجش زیادی که از والیان هرات داشت رخت اقامت از آن جا بر بسته روانه هندوستان شد و از سوی اکبر شاه صوبه داری و ایالت بدرکه مأموریت یافت (که به زبان انگلیسی صاحب آن عهده را گورنر جنرل می نامند)، و تا مدتی که در آن جا اقامت کرد به نام میر بدری شهرت گرفت. وزان پس حافظ احمد الدین خان بهادر هفتمین جدش در زمان شهاب الدین محمد شاهجهان پادشاه (۱۰۰۰ هـ / ۱۵۹۱ م - ۱۰۷۶ هـ / ۱۶۶۵ م) صوبه دار مرادآباد شد. سپس جد پنجمین سید دوست

^۱ - حیات جاوید، الطاف حسین حالی.

محمد، اوقات با برکات خود را به همراهی پادشاه محی‌الدین محمد اورنگ‌زیب عالمگیر (۱۰۲۸/هـ ۱۶۱۸ م - ۱۱۱۸/هـ ۱۷۰۶ م) سپری می‌کرد. در همین دوره در اطراف دکن شورش‌های پدید آمد که رفع آن بر زمامداران دولت دشوار بود. سید دوست محمد تنها کسی بود که برای آن مهم‌مأمور شد، و به کمک یزدان سپاه سلطانی به پیروزی رسید، و سید دوست محمد از بارگاه پادشاه اورنگ‌زیب به خطاب یگانه بهادر مفتخر و با درخواست خود، به صوبه‌داری هرات سرفراز شد و تا دم آخر در همان جا اقامت گزید و به هند بازنگشت، لیکن پسرش سید برهان در دوره پادشاه تیموریه به هند آمد و در دربارِ دهلی مقام مناسبی یافت. پسر بزرگ سید احمد در زمان محمد عزیزالدین عالمگیر ثانی (۱۰۹۹/هـ ۱۷۸۷ م - ۱۱۷۳/هـ ۱۷۵۹ م) در تاریخ نوزدهم ذی‌الحجه، ۲ جلوس مطابق ۱۱۶۸/هـ ۱۷۵۴ م خطاب جوآد علی خان بهادر و منصب هزاری و پانصد سوار دو اسپه و سه اسپه یافت و در عهد پادشاه عالی گوهر شاه عالم (۱۱۴۰/هـ ۱۷۲۷ م - ۱۲۲۱/هـ ۱۸۰۶ م) اضافه خطاب جوآدالدوله شد و بر عهده احتساب و کرور صوبه شاهجهان‌آباد فایز گردید، و چندی بعد تقریباً در ۱۰ جلوس مطابق ۱۱۸۸/هـ ۱۷۷۴ م عهده‌دار قضای لشکر شد (که به زبان انگلیسی صاحب آن عهده را سشن جج می‌نامند)، و بر مسند فرمانروایی و دادرسی نشست، و روز هجدهم شعبان ۱۲۱۵/هـ ۱۸۴۶ م دارفانی را وداع گفت، سر سید درباره او می‌گوید که: "او به فارسی و اردو شعر می‌سرود و صاحب کتب مثنوی هم بود". سر سید دیوان فارسی دستنویس سید هادی را دیده و خوانده بود، گرچه به نظر می‌رسد که

درگیر و دار استقلال هند این اثر ارزشمند ناپدید گشت. سید هادی معاصر با شاعرانی از قبیل «میر» و «سودا» و «درد» بود. برادر پدر بزرگ سید مهدی هم از دولت شاهنشاهی، به منصب و خطاب «قباد علی خان» دست یافت. او از دهلی به دکن رفت و در همان جا اقامت گزید. پدر مادر سید احمد خواجه فریدالدین احمد در ایست ایندیا کمپانی مقام ممتازی و در زمان خود در مهندسی و اقلیدس مهارت داشت، او به کلکته رسیده تحت توجه ولیم جان بیلی صاحب بهادر، اولین استاد مدرسه آن جا گردید. در زمانی که خلیل خان، سفیر ایران در ممبئی در جنگهای داخلی کشته شد، شاه ایران از گورنر انگلیسه خشمگین شد. حکومت کلکته (مارکولیس آف ولزلی) لوت بهادر و خواجه فریدالدین را مخفیانه به ایران فرستاد، اما لوت بهادر در شهر بو شهر مریض شد و خواجه فرید تنها به شیراز رفت، و صادق علی خان و چراغ علی خان بیگلربیگی و شاهزاده حسن قلی میرزا را با خود متفق ساخته غبار ملال خاطر و خشم شاه ایران را فرونشاند، و وقتی معاملات هر دو دولت استوار شد به هند بازگشت و در ایالت بوندیل کهند در پرگنات ادکاسی و غیره شغل تحصیل داری یافت. چون فرید احمد موظفی و حقوق تحصیل داران را برای خود مناسب ندانست، آن محیط را رها کرد و به شاهجهان آباد وطن اصلی خود برگشت، و در وزارت ابوالنصر مین الدین محمد اکبر شاه ثانی (۱۱۸۹ هـ / ۱۷۸۵ م - ۱۲۵۳ هـ / ۱۸۳۷ م) به مقام نخست وزیری سرافراز گشته، و به دبیرالدوله امین الملک خواجه فریدالدین احمد خان مصلح

جنگ ملقب شد، و در آخر در سال ۱۲۴۴/هـ ۱۸۳۸ م داعی اجل را
لیک گفت:

جهان ای برادر نماند به کس دل اندر جهان آفرین بند و بس
سکندر شه هفت کشور نماند نماند کسی چون سکندر نماند^۱

پدر سید احمد سید میر متقی در زندگی پدر خویش از دولت ابوالمظفر
جلال‌الدین سلطان عالی گوهر شاه عالم ثانی (۱۱۴۰/هـ ۱۷۲۷ م
- ۱۲۲۱/هـ ۱۸۰۶ م) خطاب خانی یافته و هم از تنخواه دار قلمه بود، و عمر
خود را با عزت تمام بسر برد. او در فنّ شناوری و تیراندازی مهارت
داشت و کتابی درباره تیراندازی نوشت. وی مرید شاه غلام علی خلیفه
شاه مظفر جان جانان بود که در روز پانزدهم رجب ۱۲۵۷/هـ ۱۸۳۸ م در
شهر دهلی به دیار فانی شتافت و در درگاه مظفر جان جانان (درگاه شاه
ابوالخیر فعلی) نزد دروازه ترکمان، مدفون گردید، در آن وقت سن سید
احمد تقریباً بیست و دو ساله بود. بعد از وفات مقرری مامان‌اش به مادر
عزیزالنساء منتقل گشت. سید احمد در دامن مادر تربیت واقعی یافت، او
می‌گوید:

طفلی و دامان مادر خوش بهشتی بوده است

چون به پای خود روان گشتیم سرگردان شدیم

جای دیگر هم می‌گوید: "بدون شک مادر نیکو صفت بهتر از هزار استاد
است"^۱. مادرش در سال ۱۲۷۸/هـ ۱۸۶۱ م در شهر مرادآباد وفات یافت.

^۱ - جام جم، سر سید احمد خان، چاپ لیتوگرافیک، انه‌آباد، ۱۸۴۰، ورق ۴.

^۱ - سیرت فریدیه، سر سید احمد خان، مطبع مفید عام، آگره، ۱۸۹۶ م، ص ۴۷.

درگیر و دار استقلال هند این اثر ارزشمند ناپدید گشت. سید هادی معاصر با شاعرانی از قبیل «میر» و «سودا» و «درد» بود. برادر پدر بزرگ سید مهدی هم از دولت شاهنشاهی، به منصب و خطاب «قباد علی خان» دست یافت. او از دهلی به دکن رفت و در همان جا اقامت گزید. پدر مادر سید احمد خواجه فریدالدین احمد در ایست ایندیا کمپانی مقام ممتازی و در زمان خود در مهندسی و اقلیدس مهارت داشت، او به کلکته رسیده تحت توجه ولیم جان بیلی صاحب بهادر، اولین استاد مدرسه آن جا گردید. در زمانی که خلیل خان، سفیر ایران در ممبئی در جنگهای داخلی کشته شد، شاه ایران از گورنر انگلیسیه خشمگین شد. حکومت کلکته (مارکولیس آف ولزلی) لوت بهادر و خواجه فریدالدین را مخفیانه به ایران فرستاد، اما لوت بهادر در شهر بوشهر مریض شد و خواجه فرید تنها به شیراز رفت، و صادق علی خان و چراغ علی خان بیگلریگی و شاهزاده حسن قلی میرزا را با خود متفق ساخته غبار ملال خاطر و خشم شاه ایران را فرونشاند، و وقتی معاملات هر دو دولت استوار شد به هند بازگشت و در ایالت بوندیل کهند در پرگنات ادکاسی و غیره شغل تحصیل داری یافت. چون فرید احمد موظفی و حقوق تحصیل داران را برای خود مناسب ندانست، آن محیط را رها کرد و به شاهجهان آباد وطن اصلی خود برگشت، و در وزارت ابوالنصر معین الدین محمد اکبر شاه ثانی (۱۱۸۹ هـ / ۱۷۸۵ م - ۱۲۵۳ هـ / ۱۸۳۷ م) به مقام نخست وزیری سرفراز گشته، و به دبیرالدوله امین الملک خواجه فریدالدین احمد خان مصلح

جنگ ملقب شد، و در آخر در سال ۱۲۴۴ هـ/ ۱۸۳۸ م داعی اجل را لئیک گفت:

جهان ای برادر نماند به کس دل اندر جهان آفرین بند و بس
سکندر شه هفت کشور نماند نماند کسی چون سکندر نماند^۱

پدر سید احمد سید میر متقی در زندگی پدر خویش از دولت ابوالمظفر جلال‌الدین سلطان عالی گوهر شاه عالم ثانی (۱۱۴۰ هـ/ ۱۷۲۷ م - ۱۲۲۱ هـ/ ۱۸۰۶ م) خطاب خانی بافته و هم از تنخواه‌دار قلعه بود، و عمر خود را با عزت تمام بسر برد. او در فنّ شناوری و تیراندازی مهارت داشت و کتابی درباره تیراندازی نوشت. وی مرید شاه غلام علی خلیفه شاه مظفر جان جانان بود که در روز پانزدهم رجب ۱۲۵۷ هـ/ ۱۸۳۸ م در شهر دهلی به دیار فانی شتافت و در درگاه مظفر جان جانان (درگاه شاه ابوالخیر فعلی) نزد دروازه ترکمان، مدفون گردید، در آن وقت سن سید احمد تقریباً بیست و دو ساله بود. بعد از وفات مقرری ماهانه‌اش به مسادر عزیزالنساء منتقل گشت. سید احمد در دامن مادر تربیت واقعی یافت، او می‌گوید:

طفلی و دامان مادر خوش بهشتی بوده است

چون به پای خود روان گشتیم سرگردان شدیم

جای دیگر هم می‌گوید: "بدون شک مادر نیکو صفت بهتر از هزار استاد است"^۲. مادرش در سال ۱۲۷۸ هـ/ ۱۸۶۱ م در شهر مرادآباد وفات یافت.

^۱ - جام جم، سر سید احمد خان، چاپ لیتوگرافیک، اله‌آباد، ۱۸۴۰، ورق ۴.

^۲ - سیرت فریدیه، سر سید احمد خان، مطبع مفید عام، آگره، ۱۸۹۶ م، ص ۴۷.

سید احمد خان در دهلی در روز پنجم ذی‌الحجه ۱۲۳۲ هـ/ ۱۷ اکتبر ۱۸۱۷ م در خواص پوره حویلی خواجه فرید متولد شد و سلسله نسبش به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می پیوندد. او پیوسته به بزرگی نسبت خود افتخار می کرد و می گفت:

گرچه خوردیم نسبتی است بزرگ بنده آفتاب تابانیم^۱
 پیر طریقت میر متقی شاه غلام علی اسم وی احمد گذاشت.
 سید احمد علم طب از غلام حیدر خان، فن حدیث و تفسیر از مولوی مخصوص الله بن شاه رفیع و تیراندازی و شناوری از پدر خود تحصیل کرد. در اوان خردسالی وی دولت تیموریان می لرزید و حکومت انگلیسیه به اوج خود می رسید. او در دوره بهادر شاه ثانی خطاب جوآالدوله عارف جنگ دریافت کرد و در زمان شاه بانو وکتوریه تمغه Companion of the Star of India و خطاب به Nighthood یافت. در سال ۱۲۵۴ هـ/ ۱۸۳۸ م در عدلیه دهلی صدر امین سررشته دار شده و سپس در ۱۲۵۵ هـ/ فوریه ۱۸۳۹ م در کمشنری آگره عنوان معاون منشی را به دست آورد. ۱۲۵۸ هـ/ بیست و دوم دسامبر ۱۸۴۱ م در مین پوری عهده منصف دریافت کرد. در دهم ژانویه از مین پوری به فتح پور سیکری رفت. در سال ۱۲۶۳ هـ/ ۱۸۴۶ م برادر بزرگ سید محمد خان وفات یافت و در قبرستان خواجه باقی بالله در دهلی مدفون گشت. در ۱۲۷۲ هـ/ سی و یکم ژانویه ۱۸۵۵ م در بجنور صدر امین مقرر گشت، او خود در این خصوص می گوید:

از قضا و قدر ربّانی و تقدیر ازلّی و مشیت ایزدی ترقّی بنده
به صدر امینی شد و در بجنور صدر امین شد.

۱۲۷۵ هـ/یازده آوریل ۱۸۵۸ م در مرادآباد صدرالصدور مقرر شد و در
سال ۱۲۷۶ هـ/۱۸۵۹ م در همان جا مدرسه‌ای را تأسیس کرد. همسر
سر سید پارسا بیگم عرف مبارک بیگم در سال ۱۲۷۸ هـ/۱۸۶۱ م
وفات یافت و در قبرستان شوکت باغ، مرادآباد به خاک سپرده شد.
سید احمد در سال ۱۲۷۹ هـ/۱۸۶۲ م به غازی‌پور رفت و در سال ۱۲۸۱ هـ/
۱۸۶۴ م در آن جا نیز مدرسه‌ای را بنا کرد. در همان سال علیگره آمد و در
چهارم ژوئیه عضو اعزامی Royal Asiatic Society بریتانیه منتخب
گشت. ۱۲۸۴ هـ/۱۸۶۷ م پانزدهم اوت به بنارس رفت و در بیست و پنجم
دسامبر بیمارستان یونانی را آغاز کرد. ۱۲۸۶ هـ/یکم آوریل ۱۸۶۹ م از
بنارس به بریتانیه رفت و شانزدهم اوت همان سال در ایندیا آفس
به توسط دیوک آف آرگایل خطاب سی.اس.آئی. (C.S.I.) و تمغه طلائی
«انجم الهنده» دریافت کرد. ۱۲۹۲ هـ/بیست و چهارم مه ۱۸۷۵ م دانشکده
آ.ام.یو. (A.M.U.) علیگره را بنیان گذاشت که حالا بزرگترین دانشگاه
اسلامی در جهان است، و در سال ۱۲۹۳ هـ/۱۸۷۶ م بازنشسته شد.
همچنین در سال ۱۲۹۵ هـ/۱۸۷۸ م به عضویت کونسل وائسرای نامزد
گشت، و در تاریخ ۱۳۰۶ هـ/۱۸۸۸ م خطاب ک.سی.اس.آئی. (K.C.S.I.)
(نائب کماندر استار آف اندیا) دریافت کرد تا آنکه سرانجام در شب
یکشنبه چهارم ذی‌قعدة ۱۳۱۵ هـ/بیست و هفتم مارس ۱۸۹۸ م به مرض
حبس بول و تب شدید چراغ زندگی در علیگره خاموش شد و در صبح

بیست و هشتم مارس نماز جنازه در حیاط بازی کرکت برپشت سر سید
 هال ناظم دینیات عبدالله انصاری خواند، و قبل از نماز مغرب در یک
 گوشه حیاط مسجد دانشگاه اسلامی علیگره مدفون گشت.

قوم را سرمایه مجد و علاز دست رفت بعد از آن کاین گنج را در خاکدان انداختند
 تاقیامت گویی از تاراج ما فارغ شدند کاین مصیبت بر سر اسلامیان انداختند
 "اِنِّی مُتَوَفِّیْکَ وَ رَافِعُکَ اِلَیَّ وَ مُطَهِّرُکَ غَفَّرَ لَہُ"

سر سید احمد دو پسر و یک دختر داشت. پسر بزرگ سید حامد در
 بخش سپاه سرپرست (سپرنتندنت) بود و سید محمود نیز در خارج از هند
 در بریطانیه علوم منصفی (بیرستری) خواند، و از آنجا به هند بازگشت. وی
 ابتدا دسترکت جج و سپس در دادگاه عالیہ الہ آباد منصف شد. سرانجام از
 کارش مستعفی شد و با پدر خود زندگی بسر می برد و در امور دانشگاهی
 هم با وی همکاری می کرد. سر سید شاعر هم بود و «آهی» تخلص
 می کرد، از او تقریباً سی و شش تا آثار ارزشمند به جا مانده است:

۱. انتخاب الاخوین (کتابچه ای مختصر): به کمک میر سید، برادر حقیقی
 خود در سال ۱۲۵۸ هـ / ۱۸۴۱ م به طبع رسانید.
۲. جام جم: در سال ۱۲۵۶ هـ / ۱۸۴۰ م در چاپخانه لیتوگرافیک، الہ آباد
 طبع گردید. وی این کتاب را در دوران ملازمت خود تألیف نمود.
۳. جلاء القلوب به ذکر المحبوب: در سال ۱۲۵۹ هـ / ۱۸۴۲ م نوشته شده
 و همین سال به طبع گردید که مربوط به تولد، وفات، معجزات و
 احوال دیگر حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم است.

۴. تحفه حسن: ترجمه باب دهم و دوازدهم تحفه اثنا عشریه است، در سال ۱۲۶۰ هـ/۱۸۴۴ م به پایان رسید. باب دهم اثنا عشریه دربار مطاعن که شیعه بر حضرت صدیق رضی الله تعالی عنه می‌کنند، و باب دوازدهم در باب تولد و تبرا است.
۵. تسهیل فی جرّ الثقیل: رساله‌ای عربی از ابوذر یمنی است که ابوعلی آن را تحت عنوان معیارالعقول به فارسی ترجمه کرد. مؤلف در این رساله پنج اصل از اصول جرّ ثقیل را بیان کرده است و سرسید احمد آن ترجمه فارسی را به نام تسهیل فی جرّ الثقیل به زبان اردو برگرداند که در سال ۱۲۶۰ هـ/۱۸۴۴ م به طبع رسید.
۶. ترجمه فواید الافکار فی اعمال الفرجار: این ترجمه اردو ترجمه رساله فارسی خواجه فریدالدین است که به خواهش آقای اسپرینگر رئیس دهلی کالج (دانشکده ذاکر حسین فعلی) انجام گرفت که در سال ۱۲۶۳ هـ/۱۸۴۶ م به مطبع سیدالاجبار به چاپ رسید.
۷. آثارالصنادید: در سال ۱۲۶۴ هـ/۱۸۴۷ م نوشته شد. در جلد اول آثارالصنادید از صفحه ۱۴۶ به بعد رساله جام جم گنجانده است. این کتاب در سه مرحله یعنی در سال ۱۲۷۱ هـ/۱۸۵۴ م در دهلی و در سال ۱۲۸۷ هـ/۱۸۷۰ م در لکهنو و در سال ۱۴۱۱ هـ/۱۹۹۰ م به توسط خلیق انجم با اضافات و حواشی در اردو آکادمی، دهلی چاپ شد.
۸. قول متین در ابطال حرکت زمین: در سال ۱۲۶۵ هـ/۱۸۴۸ م در مطبع سیدالاجبار دهلی انتشار یافت.

۹. کلمة الحق: کتابی دیگر است که در سال ۱۲۶۶ هـ/ ۱۸۴۹ م نوشته شد. این رساله در بیان اعتراض به طریقه رواج یافته مرید و مراد است.
۱۰. راه سنت در رد بدعت: در سال ۱۲۶۷ هـ/ ۱۸۵۰ م نوشته شده. این رساله در خلاف اهل بدعت و در تأیید اهل سنت است.
۱۱. نمیقه در بیان مسئله تصور شیخ: در سال ۱۲۶۹ هـ/ ۱۸۵۲ م نگاشته شد. این کتاب مشتمل بر هشت صفحه و در زبان فارسی است. در سال ۱۳۰۱ هـ/ ۱۸۸۳ م به چاپ رسید.
۱۲. سلسله الملوک: در سال ۱۲۶۹ هـ/ ۱۸۵۲ م چاپ شد.
۱۳. سلسله السلوک: در سال ۱۲۶۹ هـ/ ۱۸۵۲ م در مطبع اشرف المطابع، دهلی چاپ شد.
۱۴. ترجمه چندین ورق از آغاز کتاب کیمیای سعادت در سال ۱۲۷۰ هـ/ ۱۸۵۳ م انجام داد.
۱۵. تصحیح آئین اکبری ابوالفضل: در سال ۱۲۷۲ هـ/ ۱۸۵۶ م به مطبع اسماعیلی دهلی طبع رسید. در این اصطلاحات نامانوس عربی، فارسی، ترکی و سانسکرت را توضیح و چندین عکس را اضافه نموده.
۱۶. تاریخ سرکشی بجنور: در زبان اردو در سال ۱۲۷۵ هـ/ ۱۸۵۸ م طبع شد.
۱۷. اسباب بغاوت هند: در زبان اردو اول در سال ۱۲۷۶ هـ/ آوریل ۱۸۵۹ م طبع گردید و طبع دیگر آن در سال ۱۳۲۱ هـ/ ۱۹۰۳ م در چاپخانه مفید عام آگره انجم پذیرفت که هم اکنون نسخه‌ای از آن در کتابخانه اسلامی علیگره وجود دارد.

۱۸. *Loyal Mohammadan's of India*: در سال ۱۲۷۷ هـ/ ۱۸۶۰ م از مرادآباد به چاپ رسید.

۱۹. ترجمه تبیین الکلام فی تفسیر التورات و الانجیل علی لة الاسلام: در سال ۱۲۷۸ هـ/ ۱۸۶۲ م با ده مقدمه مرتب شد و در چاپخانه شخصی غازی پور به چاپ رسید.

۲۰. تصحیح و تدوین تاریخ فیروزشاهی: با معارنت و همکاری W.N.Lees معاون رئیس انجمن آسیای بنگاله و مولانا کبیرالدین انجام داده بود، که انجمن آسیای کلکنه در سال ۱۲۷۹ هـ/ ۱۸۶۲ م به چاپ رسانید.

۲۱. تصحیح و تدوین توزک جهانگیری: در سال ۱۲۸۰ هـ/ ۱۸۶۳ م انجام داد.

۲۲. رساله طعام اهل کتاب: در سال ۱۲۸۵ هـ/ ۱۸۶۸ م در چاپخانه نولشکور، کانپور به چاپ رسید.

۲۳. الخطبات احمدیه فی العرب و سیرت المحمدیه: در سال ۱۲۸۷ هـ/ ۱۸۷۰ م مرتب شده که تقریباً بعد از هفده سال در سال ۱۳۰۵ هـ/ ۱۸۸۷ م انتشار یافت.

۲۴. مجله تهذیب الاخلاق: در تاریخ ۱۲۷۸ هـ/ بیست و چهارم دسامبر ۱۸۷۰ م شروع شد و سر سید احمد خان مدیر اعلی این رساله بود.

۲۵. تفسیر القرآن: از سال ۱۲۹۶ هـ/ ۱۸۷۸ م تا ۱۳۰۹ هـ/ ۱۸۹۱ م نوشته شده.

۲۶. النظر فی بعض مسائل الامام الغزالی: در سال ۱۲۹۷ هـ/ ۱۸۷۹ م نوشته شده. در این کتاب بعضی از مسایل مَظْنُونٌ بِهِ عَلٰی اَهْلِهِ وَ مَظْنُونٌ بِهِ عَلٰی غَیْرِ اَهْلِهِ وَ مُنْقَذٌ فِی الضَّلَالِ وَالْاِقْتِصَادِ فِی الْاِعْتِقَادِ امام علی بررسی کرده، و در بعضی موارد بر نظرات امام غزالی ناخسته و در برخی مسایل نیز با او همراه شده است، و در پایان تجزیه و تحلیل خود را بر کتاب التَّفْرِقَةُ بَیْنَ الْاِسْلَامِ وَالزُّنْدَاقَةِ هم شامل کرده که قبلاً در رساله تهذیب الاخلاق منتشر شده بود.

۲۷. تصانیف احمدیه: (در نه مجلد) در سال ۱۳۰۱ هـ/ ۱۸۸۳ م چاپخانه انستیتوی، علیگره چاپ گردید.

۲۸. ترقیم فی قصة اصحاب الکهف و الرقیم: به سال ۱۳۰۷ هـ/ ۱۸۸۹ م در مطبع ینمان آگره چاپ شد. این رساله جرّوی از تفسیر القرآن است که تفسیر داستان اصحاب کهف را بر اصول تفسیر قرآن بیان کرده است.

۲۹. ازالة الغین عن ذی القرنین: این رساله هم جزو تفسیر القرآن است و در سال ۱۳۰۷ هـ/ ۱۸۸۹ م به چاپ رسید.

۳۰. الدعاء و الاستجابه: در سال ۱۳۱۰ هـ/ ۱۸۹۲ م طبع گردید. این رساله مختصری است که درباره معنی قبول دعا بر اصول تفسیر القرآن نوشته است.

۳۱. تحریر فی اصول التفسیر: در سال ۱۳۱۰ هـ/ ۱۸۹۲ م انتشار یافت. در این کتاب تمام اصول تفسیر القرآن درج است.

۳۲. رساله ابطال غلامی: در سال ۱۳۱۱ هـ/ ۱۸۹۳ م در مطبع عام، آگره به چاپ رسید.

۳۳. مسلمان کی قسمت کا فیصله: در سال ۱۳۱۲ هـ/ ۱۸۹۴ م در مطبع مفید عام، آگره چاپ شد.

۳۴. سیرت فریدبه: شرح حال پدر مادر فریدالدین احمد بهادر مصلح جنگ است که در سال ۱۳۱۴ هـ/ ۱۸۹۶ م در مطبع مفید عام، آگره منتشر شد.

۳۵. مقاله نسبت نزول علوم دینیه و عربییه و فلسفه یونانیه: در سال ۱۳۱۵ هـ/ ۱۸۹۷ م در مطبع مفید عام، آگره انتشار یافت.

۳۶. تفسیر السموات: در سال ۱۳۱۵ هـ/ ۱۸۹۷ م طبع گشت. این تفسیر ابتدا در مجله‌های تهذیب الاخلاق، چاپ علیگره منتشر گردید، سپس سر سید احمد آن را به صورت کتابی مستقل منتشر کرد. این کتاب هم جزو تفسیر القرآن است.

۳۷. قدیم دیهی هندوستان: درباره انتظام دادن دهات هند در سال ۱۲۹۵ هـ/ ۱۸۷۸ م به طبع رسانید.

علاوه بر آثار مذکور، مقاله‌های متعددی در مجله تهذیب الاخلاق در دیگر مجله‌ها به چاپ رسید
